

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

موسوی  
۰۹ جون ۲۰۱۷

## "شورش علیه مرتجعان به حق است"

۲

هیچ کس به هیچ بهانه ای حق ندارد بر مردم فیر نماید

و اما به ارتباط کشتار اخیر که نوکر استعمار این سگ زنجیری و پرورش یافته امپریالیزم جنایت گستر امریکا نموده و ده ها تن از هموطنان ما را به خاک و خون کشید، می باید نوشت:

همه می دانیم که اداره مستعمراتی کابل از همان بدو تولد نامیمونش از زهدان چرکین استعمار و ارتجاع نه تنها کمترین پایه مردمی و به تاسی از آن احترام و یا محبوبیتی بین مردم نداشت و ندارد و همه کس در هر سطحی از دانش آن را زاده استعمار و تجاوز می دانست و می داند، بلکه با هر حرکت ضد ملی آن، بیشتر آماج نفرت مردم نیز قرار گرفته و می گرفت. به خصوص از زمانی که حاکمیت دوسره "غنی" و "عبدالله" به خدمت گمارده شده اند، عملکرد خاینانه و جنایتکرانه این دو شیاد بی هویت، حاکمیت را بیشتر از پیش رسوا نموده، در افغانستان به جز آنهایی که در نزدیکترین حلقات با آنها قرار دارد، دیگر کسی نمانده است که کمترین اهمیتی به این دو خاین وطنفروش قابل باشد.

در چنین فضائی، در حالی که حاکمیت دوسره در ظاهر امر می کوشد تا خود را مدافع منافع مردم و تأمین کننده امنیت آنها معرفی بدارد و دم از احترام به آرای مردم می زند در یک روندی که از همان آغاز می تواند نتیجه ضد ملی و ضد انسانی آن را پیشبینی نمود، از جانبی با یکی از قاتلان و دشمنان سوگندخورده مردم یعنی "گلبدین" زیر عنوان معاهده صلح، دست اخوت و برادری داده، در حالی که زخمهای قربانیان این جنایتکار تا هنوز خونچکان است، با اعزاز و اکرام از وی، در واقع مجموع ملت را به تمسخر گرفته تحقیر می دارد و از جانب دیگر با سیاست های نادرست و غرض آلود امنیتی فضای رشد و نمو هر چه بیشتر یکی دیگر از دشمنان خلق طالب و داعش را فراهم می سازد تا حوادث خونباری چون حملات خونین توأم با کشتار های سفاکانه بر شفاخانه سردار محمد داوود، قول اردوی شاهین و .. و سرانجام انفجار کاملاً مشکوک چهارراهی زنبق صورت گرفته، نفرت مردم از رژیم را به اوج آن برساند، در روز جمعه تظاهراتی که عمدتاً به وسیله پیامهای فیس بوکی سازماندهی شده بود، با طرح شعار های بر کنارشدن چند تن از مقامات امنیتی اداره مستعمراتی به راه می افتد.

تظاهرات که در آغاز به استناد گفته های مردم شرکت کننده در آن، به خصوص با شناختی که از هویت دعوت کنندگان که اینک تعدادی از آنها به حیث کمیته رهبری تظاهرات خیمه های اعتصاب برپا نموده اند، کاملاً مسالمت آمیز و مطابق به آنچه قانون اساسی زاده تجاوز امپریالیزم جنایتگستر امریکا و شرکاء اعلام می دارد، در جریان بود بعد از عدم آمادگی رژیم در پذیرش تقاضا های مردم و به جای آن دست به خشونت اولی زدن، زمینه آن را به وجود آورد تا ظرفیت های تبارز خشونت متقابل که از دهه بدین سو در اقصا نقاط افغانستان به صورت مترکم و آماده انفجار وجود دارد، از جانب مظاهره چپان نیز امکان بروز بیابد.

سردمداران رژیم که از یک سو هیچ نوع پیوند ملی و مردمی و حتا عاطفی با مردم افغانستان نداشته و ندارند و همه و بدون استثناء نوکر اجنبی و خادم استعمار اند و از جانب دیگر ترس شان از مردم به پا خاسته بیشتر از ملک الموت ادیان ابراهیمی است، وقتی صدای پرخروش مردم به گوش شان می رسد، به جلادانی که به همین منظور پرورده اند دستور گلوله باران مردم را صادر کرده، با کشتن هفت تن از مظاهره چپان و زخمی ساختن ده ها تن دیگر هویت ضد ملی و ضد مردمی شان را هر چه بیشتر آشکار می سازند. نکاتی که از مجموع این روند بیشتر از همه جلب توجه می نمایند، قرار آتی اند:

۱- اعلامیه دروغپردازانه و اتهام زنانه سفارت امریکا در حمایت از قاتلان خلق "غنی" و "عبدالله" و چرخش ۱۸۰ درجه تمام رسانه بعد از صدور اعلامیه در محکومیت مظاهره چپان نشان می دهد که دستور و فرمان فیر بالای مردم و به خاک و خون کشیدن آنها به یقین از جانب ارگ و دلک بی مقداری چون "غنی" صادر نشده، بلکه تاریخ این نکته را روشن خواهد نمود که از جانب کاخ سفید و شخص "ترمپ" به وسیله سفیر امریکا در افغانستان صادر شده و توسط سگان زنجیری از قماش "غنی"، "عبدالله" و "احمد زی" عملی شده است.

۲- خلاف تصور و تبلیغات خاینانه مشتی از "چپ نما" ها که ماهیت اردوی پوشالی اداره مستعمراتی را بر مبنای خاستگاه افراد اردو که بیشترین تعداد آنها را فرزندان دهقانان و سایر زحمتکشان می سازد، سبعیت و درنده خوئی نهاد امنیتی مقابل مظاهره چپان، به وضاحت بر این حکم مارکسیستی - لنینیستی که "خاستگاه افراد نباید معیار قرار گیرد و این موضعگیری طبقاتی افراد است که جایگاه آنها را مشخص می سازد" صحه گذاشت.

روند تکامل قضایا در جمعه خونین به وضاحت نشان داد، که تمام آنهایی که در اردوی وابسته به استعمار جمع شده اند، همه ابزار استعمار و در خدمت برآورده ساختن منافع و اهداف استعمار قرار دارند. این که آنها از کدام خاستگاه طبقاتی به اتخاذ چنین موضعگیری طبقاتی یعنی موضعگیری دفاع از استعمار و حاکمیت دست نشانده آن رسیده اند، پیشیزی ارزش نداشته، تمام آنهایی که به بهانه "فرزندان خلق" می خواهند نوکران زرخرد استعمار را بر مردم حفته بدارند، خود نیز مشتی و طنفروش اند که و طنفروشی شان را اغواگرانه در لفافه و طنپرستی عرضه می دارند.

۳- حکم داهیان مارکسیستی در مواجهه با یک اداره مستعمراتی و دست نشانده از نوع اداره مستعمراتی کابل، شکستادن و خرد کردن ماشین آن اداره است، نه در پناه بهانه های عوام فریبانه، تحکیم و تقویت آن. در نتیجه تمام آنهایی که به این ماشین سرکوب روی آورده و آن را مستحکم می سازند، چه بخواهند و چه نخواهند صرف نظر از این که کدام خاستگاه طبقاتی آنها کجا است، حتا اگر فرزندان دهقانان، کارگران و سایر زحمتکشان نیز باشند، نمونه کاملی از همان طیفی است که مارکس آنها را لومپن پرولتاریا نامیده و به مثابه ابزار حاکمیت ارتجاعی از آنها نام می برد.

۴- کاملاً میرهن است، وقتی تظاهراتی در مقیاس آنچه روز جمعه دوم جون در شهر کابل اتفاق افتاد آنها در غیاب سازمانها و احزاب انقلابی و با برنامه، تمام گروه ها، نهاد ها و افراد که چه بسا هریک از آنها مواضع فکری-

عقیدتی و سیاسی خود را نمایندگی نموده صرف در یک نکته با هم توافق دارند آنهم مقابله با حاکمیت است در چنان حرکتی سهم گرفته، هر یک از آنها در مسیر تظاهرات خواست خود را تعقیب نماید.

در چنین حالتی یعنی زمانی که نمایندگان تمام اقشار اعم از انقلابی و غیر انقلابی در روند معین در کنار هم قرار می گیرند، به هیچ صورت نباید به حاکمیت این حق و یا اجازه را داد، تا به بهانه شرکت این و یا آن نیرو، دست به ماشه برده مردم را گلوله باران نموده، حمام خون به راه بیندازد. امری که اداره مستعمراتی کشتارش را به بهانه حضور لومپن های "شورای نظار" و "جمعیت" در صفوف تظاهرات اعلام داشت.

هموطنان عزیز!

این بسیار ساده لوحی است هرگاه پذیرفته شود که گویا اداره مستعمراتی کابل به علت حضور اوپاش های شورای نظاری در صفوف مظاهره چپان بر خیل مظاهره چی آتش گشوده است. خوشبختانه و یا هم بدبختانه با داران اداره مستعمراتی تا هنوز چنان گلوله های با ذکوتی تولید ننموده اند که وقتی از میله تفنگ بیرون می شود، به دنبال افراد شورای نظار و یا هم جمعیت حرکت نموده، آنها را به خاک و خون بکشاند. تا اینزمان وقتی گلوله ای به استقامت مظاهره فیر می شود، گلوله فرد مقابل خود را سوراخ می کند به این هم کار ندارد که فرد شورای نظاری است و یا هم دشمن شورای نظار. از همین منظر است که نفس فیر بر روی مردم جنایت نابخشودنی است که هیچ بهانه ای نمی تواند آن را پوشش داده، فیر کننده را از بازخواست و رسیدن به جزای اعمالش مصون بدارد.

۵- هرگاه بهانه های این چنینی حاکمیت ها پذیرفته شود و به حاکمیت ها این اجازه داده شود که با سوء استفاده از نفرت به حق مردم از یک جریان سیاسی معین، بر روی یک تظاهرات که هزاران نفر در آن اشتراک دارند، گلوله باری صورت گیرد، هیچ فکر نموده اید که فردا همچو حاکمیت هائی با پناه گرفتن در عقب همچو بهانه های مندرس و اشمئزاز آوری بر تمام فرزندان آزاده خلق فیر خواهد نمود. مگر این همان کاری نبود که خلق و پرچم حین سرکوب خونین تظاهرات سوم حوت ۵۸ و بعد تر تظاهرات ماه ثور انجام داده فرزندان آزاده مردم را به بهانه حضور "اخوان، سامائی و ... " به خاک و خون کشید؟

هموطنان عزیز!

مبارزه به خاطر احقاق حق خود و مردم در تمام اشکال آن از اعتصاب گرفته تا عالی ترین شکل آن یعنی مبارزه مسلحانه، که ریختن به خیابانها و دست به تظاهرات زدن و شورش بر پا نمودن، حق انصراف ناپذیر مردم است که هیچ کسی به هیچ بهانه ای حق ندارد تا مانع آن گردد چه رسد به این که بر روی آن آتش گشوده با گلوله باران مظاهره انسان حقخواه را به خون کشیده، انسان های حق کشی چون "گلبیدین" ها را اعزاز و اکرام نماید.

۶- در غیاب سازمانها و احزاب پیشرو، مسلم است که هر حرکت اعم از خودجوش و یا هم خراب و ضعیف سازمانیافته آسانتر مورد تهاجم دشمنان نقابدار مردم قرار می گیرد. ما همه شاهد بوده و هستیم که چگونه اسلام سیاسی قادر شد از ضعف جنبش انقلابی، نا آگاهی عوام و وظیفه ناشناسی طیفی وسیعی از روشنفکران خارج از حوزه چپ انقلابی سود جسته، در همیاری و همسوئی کامل با امپریالیزم و ارتجاع منطقه، با تهی ساختن خیزش آزادیخواهانه مردم ما از محتوای آزادیخواهانه و مترقی آن، بر آن سایه انداخته با به خاک و خون کشاندن هزار انقلابی پاکباز میهن، کشور عزیز ما افغانستان را از چاله استعمار روس مستقیماً به چاه ارتجاع سیاه مذهبی و امپریالیزم غرب انداختند.

هموطنان، عین اوضاع باز هم می تواند اتفاق بیفتد، یعنی در غیاب نیروهای انقلابی، عدم آگاهی توده ها و بی تفاوتی سایر طیف های روشنفکری، نهاد های کمین کرده برای غصب دستاورد مردم از قماش "جمعیت اسلامی"،

"شورای نظار"، "شورای حراست و ثبات" تمام باند کرزی و دیگر نواله خوران امپریالیزم و ارتجاع مترصد آن اند تا از آب را گل آلود نموده ماهی دلخواه خویش را صید نمایند. اینکار فقط زمانی تحقق پذیر است که ما به وظایف مان عمل ننموده، ضمن دفاع از کلیت جنبش ضد مزدوران جنایتکار آمریکا و شرکاء، باند های منتظر فرصت را افشاء ننموده مردم معترض را تنها بگذاریم تا دستبرد آنها مورد تهاجم ارتجاع و امپریالیزم قرار بگیرد.

۷- گذشته از این که مظاهره را در مقایسه با اعتصاب یعنی شکل عالیتر مبارزه را به شکل دنی تر آن مبدل ساختن، از جانب هر نیروئی که صورت گیرد خود به تنهایی امریست قابل توضیح و سؤال برانگیز، و می تواند در مقطع کنونی اعتصابات و خیمه زدن ها از جانب نیروهای وابسته به دولت به منظور به کجراه کشاندن خیزش مردم صورت گرفته باشد و چه بسا نیروهای رقیب اداره مستعمراتی خواسته باشند تا از آن بابت برای خود جایگاه قوی تری به دست آورند، مقابله با اعتصاب و خیمه های اعتصاب، به بهانه های راهبندان و اذیت مردم و یا هم ضرر های اقتصادی، سیاستیست ضد ملی و ضد انقلابی که باید علیه آن ایستاد.

رسانه های جیره خوار استعمار که بعد از اعلامیه سفارت آمریکا کاملاً رنگ عوض نموده اند تو گوئی ماری بوده اند که پوست انداخته با پوست تازه جلای جدید یافته اند، سخت در تلاش اند تا به مردم بقیولانند که تشکیل خیمه های اعتراضی نباید در امکانی برپا گردد که محل عبور و مرور مردم است. زیرا به زعم آنها باعث اذیت و آزار مردم می گردد. این رسانه ها که تا مغز استخوان وابسته به امپریالیزم و ارتجاع هار مذهبی اند، آگاهانه می خواهند جای جلا و قربانی را عوض نموده، به جای آن که دولت را به خاطر کشتار بیرحمانه آن محکوم نمایند، می خواهند از عدم آگاهی مردم سوء استفاده نموده، در پناه طرح مسایل عاطفی، معترضان را محکوم نمایند.

در چنین حالتی برماست در عین حالی که می باید تلاش بورژیم تا شکل مبارزاتی کنونی را که سخت آسیب پذیر و قابل خرید و فروش است، به شکل عالیتر مبارزه یعنی تظاهرات تبدیل نموده، دست بخشی از حاکمیت مستعمراتی یعنی "شورای نظار" و "جمعیت" را از آن کوتاه نماییم، علیه تبلیغات انقیاد طلبانه رسانه های وابسته به استعمار نیز ایستاده، نگذاریم مرده ها را اداره مستعمراتی به خاطر ایثار خون شان شلاق بزنند.

۸- مظاهره چپان باید بدانند که سرنوشت حرکت شان و پاسداری از خون شهدای دوم جون ۲۰۱۷، از طریق مماشات و فرستادن این و یا آن فرد جهت صحبت و چانه زنی با اداره مستعمراتی کابل تعیین نمی گردد، هرگاه آنها خواسته باشند واقعاً به اهداف شان نایل گردند، جهت شان را به جای انتظار ارحام ارگ نشینان به تقویت بازوان خودشان انتخاب نموده، بی پروا تر حاکمیت دست نشانده را در همین مقطع زمانی تظاهراتی در خیابانها به نبرد فرا خوانند.

۹ وقتی می خواستم، این نوشته را در همین جا خاتمه ببخشم، از طریق تلویزیون شنیدم که جلا د کابل، "گلبدین" در مصاحبه ای با انتقاد از مظاهره چپان و حمایت از دولت دست نشانده، اعلام داشت که به کسی اجازه نمی دهد تا این نظام را به زیر کشد.

جای دارد در همین جا به این سگ زنجیری امپریالیزم و یکی از اولین قاتلان فرزندان خلق ما بگویم:

\* - کار خوبی شد که مصاحبه نموده و از "نظام" یعنی اداره مستعمراتی کابل و رأس آن "غنی" حمایت نمودی، زیرا در غیر آن کسانی بودند که هنوز هم باور نداشتند که تو و "غنی" از یک سرشت و خمیره ترکیب یافته، هر دو نوکر و سگ دست آموز امپریالیزم آمریکا می باشید.

\* - و اما این که گفته ای به کسی اجازه نمی دهی تا "نظام" را زیر سؤال ببرد، این را دیگر کور خوانده ای. مطمئن باشد آنهاهی که قصد و تصمیم شان نابودی این نظام مستعمراتی و به زیر کشیدن اداره آن است، نه تنها برای مبارزه

شان به اجازه کسی به خصوص فرد کثیفی چون تو نیاز ندارند، بلکه نفس مخالفت خودت با آنها، می تواند انگیزه حرکت شان را چند چندان ساخته، رزم شان را تا زمانی ادامه دهند که گذشته از حاکمیت استعماری، تو و افراد مانند تو را نیز به جرم کشتار مردم بی گناه، به سزای اعمال ننگین تان رسانیده بر ویرانه های پایه های استبداد، بنیان یک افغانستان آزاد، آباد و مترقی را اعمار نمایند.